

جامعه

عید نوروز با بغض حاجی فیروز

نقاب شادی



بر نائید شمار چراغ سبزه تا همزمان با قرمز شدن‌اش به قول راننده عصبانی معرکه‌گیری‌اش را شروع کند. نزدیکاش می‌شوم و وقتی می‌فهمد برای تهیه گزارش رفته‌ایم، استقلال می‌کند گویا خیلی وقت است که منتظر تریبون یا گوش شنوایی است که یک دل سبیز، درد دل کند. اسمش مجتبی است و دانشجو، از یکی از شهرهای خراسان شمالی آمده است تا در آستانه سال نو نقاب بابا فیروز بر چهره بزند و جای بابا فیروز شادی کند. پشت همه شعرها و رقص‌ها و آوازها نگاهش کلی غم دارد و این غم را پشت صورت سیاهش پنهان کرده است‌از فلسفه حاجی فیروز می‌پرسم، به خبرنگار همدلی می‌گوید: فقط می‌دانم آمدن نوروز را خیر می‌دانند، فلسفه‌ واقعی حاجی فیروز‌های قدیم را نمی‌دانم، اما فلسفه حاجی فیروز‌های امروزی فقر است ونداری. فکر که در خانه ات را بزند پیر و مرد باسواد و بیسواد را نمی‌شناسد، فقر مثل یک هیولا است بدون این که فرصت کوچکترین حرکتی را به تو بدهد، مچاله‌ات می‌کند و تو ناچاری برای ادامه حیات به هر رسمانی جنگ بزنی حتی اگر رسمانی منطقی و محکم نباشد.

هزینه دران خواهر کوچک مجتبی او را وادار کرده که درس و دانشگاهش را ازودتر از موعد مقرر تعطیل کند و ۷۰۰ کیلومتر

همدلی‌اگره اجتماعی- ستاره لطفی: «حاجی فیروزه ... سالی به روزه... همه می‌دوین، منم می‌دوئم عید نوروزه، سالی به روزه...» طبل زنان و رقص کنان در بین ماشین‌های خسته، پشت چراغ قرمز می‌خزند و چشم به دست راننده‌های کلافه از هیاهوی ترافیک که شاید اسکانسای را کف دستشان بگذارند. صورت سیاه و لباس قرمزشان نشان از یک رسم دیرینه دارد. رسمی که نوید بهار و تولد طبیعت را می‌دهد. حاجی فیروز‌ها که به قول خود سالی یک روز مهمان کوچه‌ها و خیابان‌های شهر هستند، این روزها بر سر چهارراه‌ها و پشت چراغ قرمزها با دایره و تمبک، رنگ و بویی تازه به چهره خاکستری شهر بخشیده‌اند.

حاجی فیروز یا خواجه پیروز، یک چهره افسانه‌ای در فولکلور (فرهنگ و باور عامیانه) ایرانیان است که در واپسین روزهای سال بین مردم می‌آید. تـسا خبر از آمدن نـوروز دهد، اگر چه حاجی فیروز‌های قدیم، پیام‌آور شادی بودند و در ازای این پیام شادی، مژدگانی دریافت می‌کردند اما حاجی فیروز‌های امروزه که تعدادشان هم کم نیست، دیگر دل و دماغی ندارند. غم نان، بیکاری و مشکلات معیشتی آنان را مانند شیخ‌های سرگردان آواره خیابان‌های پایتخت کرده است تا این بار پشت نقاب حاجی فیروز پنهان شوند شاید در پس این نقاب شاد و آوازخوان بتوانند درآمدی هر چند ناچیز کسب کنند تا چرخ زندگی نیمبندشان از حرکت نیفتد.

چراغ راهنمای چهارراه قصر قرمز می‌شود و حاجی فیروزی که لباس مدرنس قرمزی پوشیده و دندان‌هایش در سیاهی چهره‌اش برق می‌زند با دایره زنگی‌اش وسط چهارراه و بین ماشین ها ماهرانه می‌خزد، صدای دایره زنگی‌اش در هیاهوی شهر می‌پیچد و بلند بلند می‌خواند: «بابا خودم، سامبولی بلیکم، ارباب خودم، سسر تو بالا کن! ارباب خودم، لطفی به ما کن، ارباب خودم، بربز قندی، ارباب خودم، چرامنی خندی؟» و خود پهنه‌ی سر می‌دهد، به هر دری می‌کوبد که نگاه عبری، راننده‌های یا حتی مسافری را جلب کند تا شاید دستـی از آستین بیرون آید و بهای شیرین کاری و رقص و آوازش را بپردازد اما به غیر از چند کودک در درون ماشین‌ها که با ذوق کودکانه و لبخند متعجبهانه حرکتش را دنبال می‌کنند گویی همه در خود گره‌ای گم هستند که اصلا نه صدای پای بهار را می‌شنوند و نه صدای او .. شپزین کاری حاجی فیروز تمام نشده، چراغ سبز می‌شود و ماشین‌ها برای عبور از چهارراه از هم پیشی می‌گیرند و سعی می‌کنند با بوق زدن ماشین جلویی را سریع‌تر به حرکت وادارند. در این بین راننده‌ای با عصبانیت‌ی دمی‌زند برو کنار تا له نشدی!معرکه‌گیری شماها تمام شد و ...

حاجی فیروز جستی خود را به کنار خیابان می‌رساند و چشم

شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۷ ■ سال پنجم ■ شماره ۱۱۱۵

شهرنامه

یادداشت

صیانت از اصل جوانگرایی



روح‌الله مهرجو

پژوهشگر و استاد دانشگاه

جوان‌گرایی را باید در بستری از واقعیت‌ها و به دور از شاعرزدگی بررسی کنیم چرا که با واقعیتی مواجه هستیم که به ما تذکار می‌دهد در دهه‌های گذشته توجه به جوانان و استفاده از انگیزه و نیروی جوانی در پیشبرد امور، تنها در سخن و بستری برای شعار بود و بخشی از بیماری مزمن شاعرزدگی را تشکیل می‌دهد. این اتفاق در حالی است که جوانان برخاسته از این آب و خاک بزرگترین انقلاب کلاسیک در قرن بیستم را رقم زدند و پس از آن در جنگی نابرابر در مقابل دنیا از آب و خاک و دین میهنشان دفاع کردند.

اما پس از این دوران بخشی از بدنه جامعه که برگرفته از همه اقشار مردم بود، حاضر نشد به‌طور کامل به جوانان بعد از خود اعتماد کند و در نتیجه سرخوردگی را برای نسل جوان به وجود آورد. نسلی که باهوش و مستعد که در بخشی از ذهن خود خروج از کشور و زندگی در جامعه‌ای از که به قول جوانان آنان را درک کنند و به استعدادهای آنان احترام بگذارند، می‌پروراند. بنابراین مهاجرت نقل محافل بود که جوانان تشکیل می‌دادند و گاهی چالش‌هایی در خانواده‌ها ایجاد می‌شد. اما موارد به این ختم نشده، بلکه مشکلات جوانان از زمانی بیشتر شد که همه برای زندگی بهتر اعتقاد یافتند که باید مدارک علمی را از دانشگاه‌ها کسب کنند و پشت میز نشین باشند و در نتیجه دولت نفت بفروشد و حقوق آنان را بدهد که در نتیجه آن هر روز بدنه دولت بر خلاف اسناد بالادستی کشور فربه‌تر و در نتیجه کندتر شد به طوری که برخی از کارشناسان به قفل شدن امور اداری اشاره دارند.

در این میان دولت‌های مختلف به جای برنامه ریزی مناسب برای استفاده‌ی بهینه از این سرمایه انسانی بی‌نظیر که همه کشورها محتاج آن هستند، تنها به دنبال ایجاد صندلی‌های دانشگاهی رفتند تا تنها به این عطش پاسخ دهند و امروز که متولدین دهه ۶۰ سنین دوره تحصیلی را پشت سر گذاشتند بسیاری از دانشگاه‌های تازه‌متولد شده متقاضی ندارند و برخی نیز به محاق تعطیلی رفتند چرا که فرزند آوری در دهه‌های بعدی بسیار کاهش یافت، اما رقیب بر سر به دست آوردن صندلی دانشگاه‌های دولتی معتبر ادامه یافت و تا امروز نیز ساری و جاری است. تصمیم‌گیران در قوه مقننه و قوه مجریه باید زودتر به فکر استفاده بهینه از نسل جوان می‌فانند که هر روز که می‌گذرد نسل طلایی جوان ما به سمت میانسالی می‌رود اما از ظرفیت بی‌نظیر آنان کمتر استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد که دل‌کنندگ از میز برای جوانان دیروز و بی‌ران امروز سخت است و مدیران در سطوح مختلف یا افرادی که در دولت مجدداً به کار دعوت شده بودند تمایلی برای کنارگیری نداشته و نازند، بنابراین فرصتی برای حضور جوانان فراهم با ادامه روند فعلی فراهم نمی‌شد. در واقع اقدام شاخصی نیز برای ایجاد بست مناسب در راستای به کارگیری جوانان به ویژه تحصیل کردگان در بخش‌های دولتی و خصوصی نیز انجام نمی‌شد. بدون تردید این موضوع باعث تأثیر سوء بر جوانان می‌شود و آنان ناخودگاه به دلیل اینکه نمی‌توانند به توانایی خود بی‌ایرند و شغلی کسب کنند، خودشان را سرزنش می‌کنند و در نهایت بخشی از آسیب‌های اجتماعی ظهور و بروز می‌یابد.

بنابراین باید اقدامی در خور برای حل این مشکلات اندیشه می‌شد و بالاخره جوان‌گرایی از مرحله سخن به مرحله عمل شیفت باید.

خوشبختانه مقام معظم رهبری به دور از شعار زدگی و در عرصه عمل جوانگرایی را اعلام و اعمال کردند. مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اقدام معظم‌له صدور بیانیه گام دوم انقلاب بود که جوانان را مخاطب قرار دادند و ضمن برشمردن صفات و خصوصیات آنان نکاتی را متذکر شدند، که همین مسأله نشان داد جوانان به چه اندازه مهم هستند و شخص اول مملکت چه نگاه و نظارتی از آنان دارد. همین موضوع آمیدی در دل جوانان پروراند. در مرحله بعد چند انتصاب مهم توسط مقام معظم رهبری در نهاد دانشگاه‌ها، شورای سیاست گذاری امه جمعه، سازمان تبلیغات اسلامی و امه جمعه جوان نشان داد که باید همه قوا به این سمت حرکت کنند.

همناطور که در دوران دفاع مقدس این نیروی جوانی بود که توانست موفقیت‌های بسیاری را کسب کند امروز نیز در شرایط موجود نیرو و انگیزه جوانی می تواند دوی درد باشد. بنابراین ساختارهای پیر شده را باید کنار گذاشت و از نیروی جوانی بهره‌برد چرا که امروز جوانان تشنه ساختن کشوری هستند که بتواند آینده فرزندان آنان را تأمین کند و زندگی سراسر نشاط توام با امید فراهم کند.

البته ما امیدواریم که مسأله جوانگرایی از سوی مدیران سطحی گرفته نشود و به مانند بسیاری از موضوعات مهم به حاشیه و تنها موضوع برای سخنرانی بدل نشود و مدیران برای اینکه نشان دهند کاری کردند به چند جوان مسئولیت‌هایی مثل شهردار شهرهای کوچک و یا مدیران میانی اعطا کنند و گمان نکنند تقاب می‌کنند.

بنابراین مجلس باید منویات مقام معظم رهبری درباره جوانگرایی را به قوانینی اثرگذار بدل کند زیرا اگر ساختار یا مبنی بر نیروی جوان تشکیل ندهیم این مسأله به سرمنزل مقصود نخواهد رسید.

لذا با مطالبه‌گری نباید اجازه داد که جوانگرایی سراسری گرفته شود چرا بسبب بسیاری از مسئولان دلفشان نمی‌آید که مستند قدرت را ترک کنند و فضا را برای خلاقیت جوانان باز کنند بنابراین باید با تمام قدرت در برابر این کوتاهیگری‌ها و منفعت‌گرایی شخصی ایستاد.

تصویب قوانینی چون منع نامزدی برای نمایندگی مجلس پس از سه دوره اتفاق خوبی به حساب می‌آید. اما نباید جوانگرایی تنها در ساختارهای دولتی دنبال کرد. به عبارت دیگر اصل جوانگرایی را باید در عرصه‌های کسب و کار پی گرفت و فضا را به شکلی فراهم کرد که آنان بتوانند ایده‌های خود را پیاده سازی کنند و جوانان خلاق به کارآفرینان بزرگ بدل شوند. هرچند امروز از قلمون منع به کارگیری مدیران بازنشسته استقبال می‌کنیم اما باید اعلام کرد که اجرای آن مقداری عجولانه بود و مشکلاتی را نیز به بار آورد. مشکل ساختار‌های ما در سطوح اداری همین مسأله اتفاقات ضرب الاجل است در حالی که باید این تصمیمات در یک بازه زمانی منطقی صورت گیرد و هر گام آن مشخص باشد.

بنابراین برای اعمال جوانگرایی نباید عجله کرد بلکه باید حساب شده گام برداشت. باید تبعضی‌ها در ساختارهای اداری کنار رود و عدالت کامل سازی و جاری شود. جوانگرایی وقتی حاکم می‌شود که رانت از بین رفته و ضوابط قدرت مطلق در ساختارهای دولتی به دست آورند و رابطه را به طور کامل کنار بزنند. باید ساختار را به شکلی برنامه ریزی کرد که همواره پویا بوده و فضا را برای استفاده از فکر و نیروی جوانی مهیا کند.

امروز ما باید از جوانگرایی صیانت کنیم تا برخی از افراد که دوست ندارند قدرت را از دست بدهند این مهم را به انحراف نکشاند. امروز نباید اجازه داد که بیانیه گام دوم انقلاب نیز به تنها به موضوعی برای سخنرانی‌های پرشور مدیرانی بدل شود که به جوانگرایی اعتقاد ندارند. نباید فراموش کرد که پویایی و زنده بودن جامعه به چرخش نخبگان است و ساختار و سازمان‌ها و نهادها تنها در صورتی می‌توانند متمر ثمر باشند که جوانی خود را همواره حفظ کنند.

بی‌اعتنا رد می‌شوند و برخی نیز به لبخند کم‌رنگی اکتفا می‌کنند. تا اینکه چراغ سبز می‌شود و به پیاده‌رو می‌آیند، نزدیک شان می‌شوم و باب گفت‌وگو را با آنها باز می‌کنیم. این گروه حاجی فیروز هر ۳ نفر تحصیلات دانشگاهی دارند، اما بازی روزگار آنان را به سرچهارراهها کشانده که آموزش‌های ۴ سال دانشگاه را در آن جا پیاده کنند.

«زندگی مثل رینگ بوکسه، شوخی نداره، پات بلغزه زمین خوردی حتی اگر بهترین بوکسور دنیا باشی!» این را مصطفی رقص گروه می‌گوید. او که لیسانس دارد، سر یک لغزیدن، پایش به دنیای معناده باز شده و اکنون که بعد از زحمت زیادی، ترک کرده، اما انگار هنوز ننگ اعتیاد بر پیشانی‌اش پاک نشده و همین موضوع باعث شده است برای استخدام آن تردید داشته باشند، و اکنون جیب خالی او را رقص گروه بابا فیروز کرده است.

او اما دانشنام احمد نوازنده گروه فرق می‌کند. او که ۳۵ سال سن دارد و لیسانس مدیریت بازرگانی است. تا همین یک سال پیش در شرکت تولید ابزار آلات کار می‌کرد اما گرانی مواد اولیه و کسادبی بازار، مدیر شرکت را بر آن داشت تا بخشی از نیروهایش را تعدیل کند. از بخت بد قرعه به نام مصطفی افتاد و او به همراه تعدادی دیگر از کارگران از کار بیکار شدند. احمد می‌گوید دانش‌آموز که بوده در مدرسه کار تئاتر انجام داده است و بارها نقش حاجی فیروز را بازی کرده اما هیچ وقت فکر کرده در دنیای واقعی نیز این نقش را تجربه کند.احمد به خبرنگار همدلی گفت: «دیگه روبی حاجی فیروز‌ها نه به این خاطر است که از دنیای مردگان برگشته‌اند و نه به خاطر علاقه به سیه رویی، بلکه بی‌کاری و بی‌پولی روی‌شان را سیاه کرده است، چون شب عبید نمی‌توانند برای زن و بچه‌هایشان لباس نو بخردند و بساط سوسر و سات شب عبدا را فراهم کنند. شادی‌شان هم از زایش دوباره طبیعت نیست، بلکه نقابی است که پشت آن پنهان شدند تا دیگری را زندگی کنند و جای خود نفس نکشند».

حاجی فیروز‌ها در گذشته گدا نبودند، بلکه آنان با آن کلاه دوکی، گیوه‌های نوکتیز و جامه سرخ، همواره با دایره‌زن‌های و تنبک، پیام‌آور نوروز، بهار و شادای بودند، و مردم از سسر خوشحالی و ذوق فرا رسیدن نوروز به آنان مژدگانی می‌دادند، اما این شخصیت افسانه‌ای امروزه به نماد تکدی‌گری و فقر تبدیل شده است. بدون شک اگر این پیام آوران نوروز از وضعیت مالی خوبی بهره منند بودند آمدن بهار را جوری دیگر نمود می‌دادند. شاید با دادن عیدی و هدیه، درست مثل بابائول‌ها.

راه را تا پایتخت طی کند به این امید بتواند در جمع آوری هزینه درمان سرطان خواهر کوچک‌اش نقشی داشته باشد. او می‌گوید سلامتی خواهرم به من انگیزه می‌دهد. تا هر شب تا نیمه‌های شب کار کنم، اگر چه برخی اوقات رفتارهای توهین آمیزی را هم می‌بینم و می‌شنوم اما در حال حاضر هزینه درمان خواهرم برایم در اولویت است. من فقط سلامتی خواهرم را می‌خواهم. به هر قیمتی که شده، حتی به قیمت لگد مال کردن غرور و شخصیت ام‌مجتبی را با غم و دغدغه‌هایش تنها می‌گذارم و در پی یافتن بابا فیروزی دیگر راه می‌افتم. پیدا کردنشان زحمتی ندارد حاجی فیروز‌های سرگردان این روزها زیادند، آنقدر زیاد که تقریباً هر جا بروی صدای طبل و شادیشان از دور شنیده می‌شود.

نرسیده به اولین چهارراه سروکله چند نفرشان پیدا می‌شود. این بار به صورت گروهی هستند، یکی تنبک می‌زند، دیگری با ناشیانه می‌قصند، آن یکی هم سید به دست به عنوان صندوقدار انعام‌ها را جمع می‌کند. بازار آنها هم کساد است این را می‌توان از چند اسکناکس مچاله شده که در سبد جلوه‌گری می‌کند، فهمید. چند باری پشت چراغ قرمز این شعر را می‌خواند: «عمو سبزی فروش... بله... سبزی کم فروش... بله...» بر خورد‌ها متفاوت است. یکی دو تا راننده به آنها انعامی می‌دهند، برخی هم از کنارشان

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش با ارائه توضیحاتی درباره صدور «فیش‌های حقوقی نجومی» برای برخی معلمان گفت: حدود هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان از کسری‌ها به سال ۹۸ منتقل می‌شود.

علی‌الله تارکمن در حاشیه گردهمایی معاون وزارت آموزش و پرورش در اردوگاه شهید باهنر در جمع خبرنگاران درباره ماجرای فیش‌های حقوقی نجومی تعدادی از معلمان اظهار کرد: در وزارت آموزش و پرورش تمام سیستم‌ها به طور اتوماتسبون است و مشکل ایجاد شده درباره فیش‌های حقوقی به دلیل نقص فنی بود و این موضوع از آنجایی قابل اثبات است که جمع آیمت‌های فیش حقوقی با مجموع عددنهایی یکسان نیست.

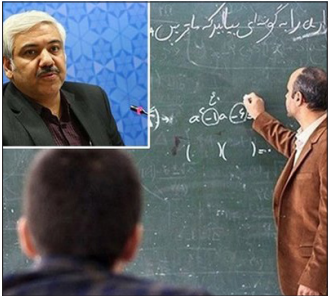
وی افزود: در جمع عدد فیش مشاهده می‌شود که نقص فنی وجود داشته و احتمال می‌دهیم عملیات انجام شده برای جمع نهایی، نقص داشته است که البته این مشکل برطرف شد و به افراد ذی‌نفع این موضوع ابلاغ شده است.

■ **سیستم دولتی نمی‌تواند حساب فردی را کم و یا زیاد کند**

معاون توسعه مدیریت و پشتیبانی وزارت

آموزش

علت صدور «فیش حقوق نجومی» برای برخی معلمان چه بود؟



آموزش و پرورش گفت: در سیستم دولتی نمی‌توانیم در حساب فردی به جز آیتمه‌هایی که در حکم وجود دارد عددی را کم یا زیاد کنیم، تمام فرآیندها تعریف شده و قوانینی بر آن ناظر است و نهادهای نظارتی بر این موضوع نظارت‌های لازم را دارند. همه پرداخت‌ها از طریق خزانه انجام می‌شود و این اعتبارات به یک حساب مرکزی واریز و در حساب متمرکز بانک مرکزی قرار می‌گیرد و هر برداشتی از آن با تأیید ذی‌حساب خواهد بود و از آنجا به حساب افراد می‌نفع واریز می‌شود و دست فرد خاص نیست. ■ **اگر خزانه پول بدهد مطالبات پرداخت می‌شود**

الله‌یار تارکمن درباره پرداخت معوقات

فرهنگیان گفت: با توجه به پیگیری‌های انجام شده برای پرداخت چند آیمت همچون حقوق کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی، حقوق سرباز معلمان و حق‌التدریس آزاد مشکلی وجود ندارد و درخواست وجه در خزانه است و متناسب با نیاز کارکنان پرداخت خواهد شد. وی افزود: برخی مطالبات مانند خرید خدمات آموزشی، حقوق معلمان خارج از کشور، حق‌التدریس شاغلان، اضافه کار پرسنل اداری و برخی معوقات از سال ۹۶ مانند حق‌زحمه



زنده‌گیری می‌شود و تمام هزینه این کار برعهده شهرداری تهران است. وی ادامه داد: با توجه به نزدیکی ایام عید نوروز طرح ضربتی برای دو منطقه تهران برگزار کردیم تا در این طرح خیابان‌های اصلی شهر در فاز نخست آغاز طرح از خیابان ولیعصر و از محدوده میدان راه آهن تا تجریش انجام خواهد شد. میزان طعمه همچنین در لانه موش‌ها تزریق قوم انجام شود. وی افزود: مقابله با حیوانات مودی به‌ویژه موش‌ها در تمام ایام سال توسط شرکت ساماندهی صنایع

خبربهره‌برداری از ۱۴ کیلومتر دیگر از خط ۷ مترو

رعایت شده است. فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا (ص) افزود: تیر آسمنال حدود هفت کیلومتر از این مسیر از ایستگاه مهدیه تهران تا نواب به بهره برداری رسید و شنبه آینده ۱۴ کیلومتر دیگر از این مسیر با ۸ ایستگاه از مهدیه تهران تا میدان صنعت بهره برداری می‌رسد.محمد گفت: برای اجرای این پروژه تا امروز حدود دو هزار و پانصد میلیارد تومان هزینه شده است که شش هزار نفر مستقیم و دو هزار نفر غیرمستقیم در آن اشتغال داشته‌اند.

وی ادامه داد: در صورت تأمین منابع مالی، تا پایان سال آینده کل ۲۷ کیلومتر این پروژه به اتمام خواهد رسید.فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا (ص) گفت: این پروژه ظرفیت انتقال یکصد هزار مسافر با چهار قطار و سرفاصله زمانی پانزده دقیقه جابه جایی را دارد و پس از تکمیل کار این زمان به بهره برداری می‌رسد.محمد گفت: این خط کر، دو دقیقه تقلیل می‌یابد.محمد خاطر نشان کرد: با توجه به ایستگاه‌های تبدالی که این خط با کل خطوط تهران دارد می‌تواند در جابه جایی و انتقال مسافران به سایر خطوط دار و در طراحی این پروژه، الزامات پدافند غیرعامل هم در ایستگاه‌ها و در عمق خط، و آلودگی هوای تهران خواهد داشت.

خبر



مهر – فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص)، از بهره‌برداری ۱۴ کیلومتر دیگر از خط ۷ مترو تهران با ۸ ایستگاه خبر داد.

سعید محمد، بسا بیان اینکه کل این پروژه ۲۷ کیلومتر با ۲۲ ایستگاه است که از منطقه شمال غرب تهران در منطقه ساعات آباد آغاز می‌شود و در منطقه جنوب شرق تهران، بالای افسریه، محدوده شهرک امیرالمؤمنین پایان می‌یابد، این خط مترو عمیق‌ترین خط مترو است و بیشترین تعداد ایستگاه تبدالی را با سایر خطوط مترو دارد و در طراحی این پروژه، الزامات پدافند غیرعامل هم در ایستگاه‌ها و در عمق خط،

شهری

موقع زلزله، موش‌ها آدم‌ها را نمی‌خورند

چهار میلیون موش ساکن تهران

زلزله موش‌ها زیر‌آوردان‌دگان را می‌خورند گفت: موش‌ها به کمترین صدا یا تغییر واکنش نشان می‌دهند، یا می‌میرند یا کوچ می‌کنند. به طوری که در سر و صدای چهارشنبه سوری ما شاهدیم که موش‌های زیادی می‌میرند یا فرزندان خود را می‌خورند. اگر قرار باشد تهران شاهد زلزله بسیار بزرگی باشد هم مطمئن باشید موش‌ها بیشترین آسیب را می‌بینند و به هیچ وجه زنده خواری نمی‌کنند.

وی در خصوص جمع‌آوری سگ‌های ولگرد شهر تهران نیز گفت: جمع‌آوری سگ‌ها در مناطق حاشیه‌ای در قالب طرح ضربتی دنبال می‌شود و این سگ‌ها پس از زنده‌گیری به مرکز آرادکوه منتقل و پس از عقیم سازی و پلاک‌کوبی در صورت نداشتن بیماری در برخی کارخانه‌ها و مراکز به عنوان نگهبان به کار گرفته می‌شوند.

تحصیلی تأکید کرد: روزانه ۲۵ تا ۳۰قلاذه سگ

خبر آنلای- مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران گفت: بر خلاف شایعات بسیاری که وجود دارد، در صورت بروز زلزله شدید در تهران، قطعه موش‌ها، آدم‌ها را نمی‌خورند.

حمیدرضا تحصیلی در حاشیه طرح ضربتی مقابله بسا موش‌ها در ۲۲ منطقه تهران گفت: بیشترین تعداد موش‌ها در مناطق جنوبی شهر یعنی از میدان انقلاب به پایان و بویژه در مراکز فروش مواد غذایی و اغذیه‌فروشی‌ها وجود دارند. وی درباره آمار تعداد موش‌ها گفت: جمعیت موش‌ها در تهران بین دو حداکثر چهارمیلیون است که میزان آن کنترل شده است. ضمن اینکه بازه زادآوری موش‌ها از اواخر فصل سرما آغاز می‌شود و تا شروع دوباره زمستان ادامه خواهد داشت.

مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران با اشاره به شایعاتی که در هنگام